

درس خارج فقه استاد هادی عباسی خراسانی

جلسه نود و چهارم، ۲۷ اسفند ۱۳۹۹

موضوع: مسائل مستحدثه (بورس)/ربا/بیع محابات، یکی از راههای برون رفت از ربا

1- حدیث اخلاقی (فضیلت و مراقبات و اعمال و توصیه‌ها برای نوروز)

1.1- لزوم تحویل و تحول احوال، همراه با تحویل و تحول سال

آخرین روز درسی در سال ۱۳۹۹ است. روز چهارشنبه و در آستانه تحویل و تحول سال جدید و بلکه قرن جدید هستیم. «یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا إلى أحسن الحال». انسان، مسافر به سوی خدا است؛ ﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾؛ [1] در این سیر، از فرش به عرش، از مادیت به روحانیت، تمام هدایت‌های انبیا را به دنبال دارد و هر روز در حال تحویل و تحول است؛ ﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾؛ [2] هر روز، در یک مقام و منزلی است. باید بکوشیم ملکات مان، فضایل مان بشود و فضائل ما، ملکات ما و ان شاء الله هر دوی اینها، مقامات ما شود. هر روز در تجلی خاصی هستیم؛

1.2- ارتباط با اسمای الهی، لازمه تحول معنوی و الهی

وقتی می‌توانیم مدعی این کار شویم که ارتباط با اسمای الهی داشته باشیم. هستی، مجلای اسمای الهی است؛ هر شخصی و هر فردی و هر انسانی از انسان‌ها و هر عالمی از عوالم، مجلای اسمی از اسمای الهی است. خداوند بهترین نعمت را به ما داده است؛ نعمت انس با اسمای الهی و کلمات و آیات الهی. بکوشیم با آیات الهی در این سال مرتبط باشیم.

1.3- اشتغال به عبادات، یکی از مصادیق تحول معنوی و الهی

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾؛ [3] این نماز هم واجب است و هم مستحب و هم صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله عليهم که در تفسیر عرض کردیم. بکوشیم در این آستانه تغییر و تحول سال جدید، خودمان را با اسمای الهی به یک شأن و شئونی مرتبط کنیم و ان شاء الله و هزاران ان شاء الله به مدد اهل بیت عليهم السلام در این ماه شعبان - که ماه رسول الهی (صلی الله علیه وآله) است که «یتشعب فيه الخیرات»، روزی‌ها تقسیم می‌شود - به مدد ابالقاسم، قسمت ما هم به خیر شود. «الهی، در قسمت آباد وجود، بیش از این قسمت ما نبود؛ یا ابالقاسم مددی [4].»

1.4- روزی که در آن گناه نشود، عید است

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ»؛ [5] هر روزی که معصیت خدا را نکنید، آن روز، روز عید است؛ خیلی مهم است؛ مانند: «کل یوم هو فی شأن». باید ملاک ما بر معصیت نکردن باشد. شادی و نشاط، منافاتی با طاعت ندارد؛ ملازم با معصیت نیست. برخی نشاط را در معصیت می دانند. مردم آزاری نکنیم و خودمان را هم آزار ندهیم. گناه نکنیم. مطیع حضرت حق باشیم. ببینیم چه کارهایی می خواهیم کنیم. در این روزهای باقی مانده، ببینیم چه کردیم؛ خود را محاسبه کنیم؛ به خصوص، ما که اهل علم هستیم، محاسبه و مراقبه کنیم؛ کشیک نفس بکشیم؛ خود را محاکمه کنیم؛ برای حوزه ها و طلاب چه کردیم.

1.5- جایگاه نوروز نزد اهل بیت علیهم السلام

مُعَلَّى می گوید: «در روز نوروز نزد امام صادق (علیه السلام) رفتم؛ حضرت سوال کردند و حرفش را پیش کشیدند؛ می دانی امروز، چه روزی است؟ گفتم: امروز، روزی است که فارس ها بزرگش می دارند و هدیه برای هم می برند و به دیدار هم می روند»؛ حضرت حرف های او را شنیدند که گزارش او بود؛ بعد نوروز اسلامی-ایرانی را معرفی فرمودند. قدردانی از نوروز تکوینی و هم نوروز اسلامی و تشریحی و الهی؛ این دو با هم، قابل جمع هستند و تضاد ندارند. دید و بازدید مطلوب است.

1.5.1- روز عهد گرفتن بر توحید و نبوت و نفی شرک

حضرت فرمودند: «خداوند در این روز از ارواح مؤمنین و مؤمنات پیمان گرفت که او را پرستند و انبیا را پیروی کنند»؛ ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾؛ [6] روز عهد است؛ عهد الهی و عهد نبوت و رسالت؛

1.5.2- روز شکستن بت ها

روزی است که رسول مکرم (صلی الله علیه وآله)، بت های قریش را با همیاری و همکاری و یاری حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) شکستند؛ نوروز، روز بت شکنی است؛

1.5.3- روز ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حضرت فرمودند: «نوروز، روزی است که در این روز امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ولی شد و آقا رسول الله (صلی الله علیه وآله)، به امر خدا دستور دادند که با ایشان بیعت کنید»؛ این خصلت سوم است؛ این گذشته نوروز است؛ توحید و نبوت و ولایت است و عهد الهی؛ روز بت شکنی است و روز نصب حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به امامت و ولایت است؛

1.5.4-روز انتظار فرج

خصلت چهارمی مطرح کردند که خصلت مهمی است؛ «روز قائم آل محمد (صلی الله علیه و آله) است»؛ حضرت فرمودند که جمله مهمی است: «هیچ روزی نوروز نیست، مگر اینکه ما در آن روز، انتظار فرج می کشیم؛ زیرا نوروز از روزهای ما و شیعیان ما است». جانم به قربان امام صادق (علیه السلام)، امام حقایق؛ در ادامه حضرت فرمودند: «این روز نوروز را مردم عجم و فارس ها با سنت های خوب و دید و بازدیدشان و مسافحه و معانقه شان تعظیم کردند و بزرگ شمردند، ولی گاهی شما مردم عرب، رعایت اینها را نکردید [7]». «نوروز، این چنین نوروزی است؛ روز انتظار است». افضل أعمال أمتي انتظار الفرج؛ [8] باید در این روز، منتظر ولی باشیم؛ «من أصبح لا يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم»؛ [9] و من شهد رجلا ينادي يا للمسلمين فلم يجبه فليس من المسلمين [10].»

1.6-توصیه های مهم برای نوروز

1.6.1-خدمت به مردم

باید اهتمام به امور یکدیگر داشته باشیم. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «سید القوم خادمهم»؛ [11] ای مسئولین؛ اگر خدمت گزار مردم بودید، آقا هستید. نوروز، روزی است که مسئول و غیر آن، مسئولیم از خودمان بازخواست کنیم؛ ببینیم آیا به این جمله پیغمبر (صلی الله علیه و آله) عمل کردیم که «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ اِنْتَفَعَ بِه النَّاسُ»؛ [12] بهترین مردم کسی است که مردم از وجود او استفاده کنند. آیا در این روزی که به سال جدید و قرن جدید می رویم، آیا با چهره خندانمان، حد اقل از چهره غمناکی، غمی زدوده ایم؟ و آیا خدمت به دیگران کردیم؟

«تا توانی به جهان، خدمت محتاجان کن به دمی، یا درمی، یا قدمی، یا قلمی»

به یکی از این چهار تا ما باید در خدمت این مردم باشیم؛ این مردم نازنین، متدین و قدردان و خداخواه و مؤمن، مواظبشان باشیم.

ما اگر این گونه بودیم این روز، نوروز ما است و می توانیم بگوییم نوروز داشتیم و در حال عبادت حضرت حق بودیم.

1.6.2-طهارت، انس با قرآن و توسل

در هنگام تحویل سال، با وضو باشیم؛ در حال قرائت قرآن باشیم؛ بعد از نماز اگر باشد، بهتر است. در سال جدید، بیشتر قرآن بخوانید؛ انس داشته باشیم؛ هر شب سوره واقعه را بخوانیم

که حلال مشکلات است. سلام به حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) بدهیم؛ السلام علیک یا شریک القرآن؛ با زیارت آل یس و دعای عهد، انس داشته باشیم. به خصوص در ماه شعبان که در آستانه ولادت حضرت هستیم که لیلۃ القدر صغیره است؛ رزقنا الله یا ناوایا کم سلامتی همه بزرگان و سلامتی مؤمنان ان شاء الله. نوروز سالمی داشته باشید؛ به خصوص در این سالی که این ویروس منحوس هست. آنچه ما را نجات می دهد، عهد الهی و توسل و ولایت است.

2- خلاصه جلسه گذشته

در مباحث بورس به این نتیجه رسیدیم که چنان که حضرت امام و سید یزدی و برخی بزرگان دیگر فرمودند، مثلی و قیمی بودن، متغیر است و ثابت نیست که اگر چیزی مثلی یا قیمی بود در کل زمان ها این طور باشد. ارزش پول هم، به اعتبارش است؛ اعتبار پول های امروزی، به دو اعتبار است: یکی، به اعتبار نفس پول، یا پول خارجی، و دیگری به اعتبار سنجش آن که ارزش و قیمت آن است. ما در معاملات چنان که سیر معاملات را محضرتان عرض کردیم، از کالا به کالا شروع شد که زمانی هم طلا وسیله سنجش کالاها بود؛ بعد تبدیل به پول شد که انواع و اقسامی دارند تا امروز که الآن هستیم.

2.1- رابطه تغییر حکم ربا با تغییر موضوع آن

مبنای ما و اکثر فقها این است که با تغییر موضوع، حکم هم تغییر می کند. در مباحث ربا، انواع ظریف و دقیق ربای قرضی که در خیلی جاها رواج دارد، حکم الله را عوض نمی کنیم؛ اگر بحث می کنیم فلان معامله، مثلاً وام به شرط بیع و اجاره و عقود دیگر ربوی و حرام است، اما اجاره و بیع و عقود دیگر به شرط وام، صحیح است، حکم الله را عوض نمی کنیم که ربا، حلال شد، بلکه موضوع و تغییر آن را بررسی می کنیم که تغییر موضوع، باعث تغییر حکم می شود؛ چه بسا موضوعاتی که حکم شان، واحد یا متغیر است؛ با تغییر موضوع، عناوین احکام تغییر می کند.

2.2- عقلا، مرجع تعیین مثلثیت و قیمت در پول

در بحث مثلثیت و قیمت، عرض ما همین است؛ ارزش پول، به عرف عقلا است؛ عقلا هر چیزی را معتبر بدانند، می توانیم مابه ازای معاملات مان قرار دهیم؛ مبنای خیلی از مسائل مبتلابه امروز است. اعتبار به پول فلزی، یا کالا باشد، یا پول کاغذی، یا شبه پول و یا حواله باشد، به هر چه باشد، برای ما ارزش مند و قابل مبادله است؛ از همین رو ارزهای دیجیتالی که امروز، انواعش رایج است، اگر عقلا تأیید کنند و مابه ازای معاملات شان قرار دهند، درست است؛ چرا که شارع موسس نیست؛ بلکه ممضی است.

3- بیع محابات

3.1-تعريف لغوی محابات

«حباہ»، یعنی: «أعطاء و منعه»؛ [13] محابات، از حبا مشتق شده و به معنی بخشیدن و منع کردن است. در قاموس و لسان العرب عبارت این است: «حباہ محاباة و حباء: نصره و اختصه و مال إليه»؛ [14] محابات، یاری کردن و میل کردن و اختصاص دادن است.

3.2-تعريف اصطلاحی محابات

3.2.1-تعريف طریحی رحمه الله در مجمع البحرين

طریحی در مجمع البحرين، این گونه محابات را تعریف کرده است: «بیع المحاباة و هو أن یبیع شیئا بدون ثمن مثله فالزائد من قيمة المبیع عن الثمن عطية»؛ [15] بیع محابات این است که چیزی را به کمتر از ثمن مثل آن بفروشد. و آن مقداری که از قیمت ثمن بیشتر است عطیه حساب کند.

3.2.2-تعريف شيخ انصاری رحمه الله

شیخ انصاری در مکاسب، ج ۲ ص ۳۰۱ در تعریف محابات گفته‌اند: «بیع المحاباة أن یباع شیئا بأدون من ثمن المثل فیکون الزائد من ثمن المثل عطية»؛ بیع محابات آن است که متاعی را به کمتر از ثمن المثل می‌فروشد و اضافه قیمت را به عنوان هدیه حساب می‌کند.

3.2.3-تعريف مرحوم بهبهانی رحمه الله

یکی از بهترین عبارتها، عبارت مرحوم بهبهانی است؛ ایشان در رسائل فقهیه، ص ۲۴۱ می‌فرمایند:

«إعلم أن جمعا من علماء الزمان أیدهم الله تعالى إعتقدوا حلیة القرض بشرط المعاملة المحاباتیة، ومرادی منها هنا أن یبیع المقرض من المقرض بأزید من ثمن المثل أو یشري منه بأنقص منه، أو یؤجر بأزید من اجرة المثل، أو یشترک منه بأنقص منها، أو یصالح كذلك، أو یعاوز كذلك، أو یملك منه عینا أو منفعة بعقد هبة أو غیره»؛ [16]

از زرنگی‌های در قرض، معامله محاباتی است.

از کامل‌ترین عبارات در میان علما، عبارت ایشان است که یافتیم. ایشان می‌گوید: عده‌ای راه برون‌رفت از معاملات ربویه را محابات می‌دانند؛ یعنی اینکه قرض دهنده به قرض گیرنده، به بیشتر از ثمن مثلش، یا قیمتش بفروشد، یا به کمتر از قیمت، از او خریداری کند، یا بیشتر از

اجرت‌المثل به او اجاره دهد، یا کمتر از قیمت از او اجاره کند، یا به بیشتر، یا کمتر از قیمت، مصالحه، یا معاوضه کند، یا عین، یا منفعت را از طریق عقد هبه، در اختیار او قرار دهد.

3.2.4-تعریف مختار

عرض ما این است که محابات، معامله‌ای است که ثمن و مثن از نظر قیمت، یکسان نیستند؛ فرقی ندارد که چیزی را بیشتر بفروشد، یا کمتر بخرد؛ آیا این جایز است یا خیر؟

3.3-نظر مختار در حکم بیع محابات

عرض ما این است که پول، مثلی است که مثل دارد، باید با توجه به قیمت، معامله شود. در معاملات، با تبدیل زمان، اعتباراتش تغییر می‌کند؛ اگر به هم وام می‌دهند، باید احتیاط کنند - تنقیح این مطلب، در درس‌های آینده خواهیم داشت - از راه‌های برون رفت از ربا، بیع محابات است. حکم ربا تغییر نکرده است؛ بلکه موضوع، تغییر کرده است - باید موضوع مسائل را دقت کرد؛ ارتباط بین موضوع و حکم، مهم است؛ مسائل مستحدثه، بیشتر موضوع‌یابی احکام است - اگر معامله کند و صلح کند، یا اجاره دهد، یا عین و یا منفعت هبه دهد، یا هر عقد دیگری که به ملکیت دیگری درآید، اگر معامله مقدم باشد و وام مؤخر باشد، هیچ شک و شبهه‌ای در حلیتش نیست، ولی با این قید که سبب نقل و انتقال، مقدم باشد. عقد به شرط وام، اشکالی ندارد؛ قراردادی می‌بندد، بعد از آن قرارداد، وام را محقق کنند.

4-حکم حیله‌های شرعی برای فرار از ربا

4.1-اختلاف نظر امام با آقای خویی رحمهماالله در این مسئله

اگر عقلایی نبود، مانند اینکه قوطی کبریتی را با چیز دیگری معامله می‌کنند، مبنای حضرت امام این است که قبول نمی‌کنند، [17] ولی مرحوم آقای خویی قبول می‌کنند.

ایشان فرمودند:

«لا يجوز الاقتراض منه (بانکی که مورد نظر است) بشرط الفاض و الزيادة لأنه ربا محرم). بانک‌ها در مقابل وام‌ها چیزی نمی‌توانند بگیرند، حتی دیرکرد. ایشان راه برون رفت می‌دهند. به نظر ما موضوع‌یابی برای مسائل فقهی است. موضوع‌یابی در مسائل معاملات و. للتخلص من ذلك الطريق الآتی و هو أن يشتري المقرض من صاحب البنك أو من وكيله المفوض بضاعة بأكثر من قيمتها الواقعية ١٠٪ أو ٢٠٪ مثلا على أن يقترضه مبلغا معيناً من النقد أو يبيعه متاعاً بأقل من قيمته السوقية. و يشترط عليه في ضمن المعاملة) هر یک از عقود باشد، عیبی ندارد (أن يقترضه مبلغاً معيناً لمدة معلومة يتفقدان عليها و عندئذ يجوز

الإقتراض و لا ربا فيه؛ و مثل البيع الهبة بشرط القرض و لا يمكن التخلص من الربا ببيع مبلغ معين مع الضميمة بمبلغ أكثر كأن يبيع مائة دينار بضميمة كبريت بمائة و عشرة دنانير لمدة شهرين مثلا، فإنه قرض ربوي حقيقة، وإن كان بيعا صورة [18].»

يك قوطى كبريت مى دهد، به ميليون ها تومان؛ در اينجا قرض جايز است و ربا نيست.
ولى حضرت امام، اين مبنا را قبول ندارند.

بعد به روايات مى رسيم كه آيا معاملات محاباتيّه و به شرط زياده و نقصان، چگونه است؟ بايد در اين معاملات، دقت كنيم.

[1] انشقاق/سوره ۸۴، آيه ۶.

[2] الرحمن/سوره ۵۵، آيه ۲۹.

[3] بقره/سوره ۲، آيه ۴۵.

[4] الهى نامه.

[5] نهج البلاغه، الدشتي، محمد، ج ۱، ص ۴۲۸، حكمت ۴۲۸.

[6] يس/سوره ۳۶، آيه ۶۰.

[7] مستدرك الوسائل، المحدث النوري، ج ۶، ص ۳۵۲.

[8] معجم أحاديث الإمام المهدي ع، الكوراني العاملي، الشيخ علي، ج ۱، ص ۲۷۰.

[9] الكافي- ط الاسلاميه، الشيخ الكليني، ج ۲، ص ۱۶۳.

[10] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۲، ص ۲۱.

[11] بحار الأنوار - ط دارالاحياء التراث، العلامة المجلسي، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

[12] من لا يحضره الفقيه، الشيخ الصدوق، ج ۴، ص ۳۹۶.

[13] لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۴، ص ۱۶۲.

[14] القاموس المحيط، الفيروز آبادي، مجد الدين، ج ۴، ص ۳۱۵.

[15] مجمع البحرين، الطريحي النجفي، فخر الدين، ج ۱، ص ۴۵۱.

[16] الرسائل الفقهيّة، الوحيد البهبهاني، محمّد باقر، ج ١، ص ٢٤١.

[17] تحرير الوسيلة، الخميني، السيد روح الله، ج ١، ص ٥٣٨.

[18] تكملة منهاج الصالحين، الخوئي، السيد أبو القاسم، ج ١، ص ٤٠٦.